

اشاره:

شهید استاد مطهری فقیدی فاضل و زمان آگاه اندیشمندی بصیر و فیلسوفی خردمند و نویسنده‌ای توانا بود که عمر شریف و ارزنده خود را در اهداف مقدس اسلام صرف کرده و در دوران سیاه ستم شاهی و وجود گروه‌های فکری معاند اسلام و نحله‌های انتقاطی با کج رویها و تحريفات آنها، و جمود و دگم اندیش متحجران و خوارج نوین را با اسلام شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم را شفاف نمود و با طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم نظیر و فلسف روان فکری توانا در تحلیل مسایل اسلامی به تعلیم و تربیت جامعه پرداخت، در ذیل به بررسی عنصر تبلیغات در نهضت حسینی در آثار شهید ارجمند می پردازیم که به مناسبت ایام شهادت آن استاد ارجمند انتخاب گردیده است.

تبلیغ در فرهنگ اسلامی به معنای رسیدن پیام و دعوت کسی بدین عقیده، مذهب و مسلک و روش و یا جذب کردن کسی به راهی که سواست مبلغ است.

راغب اصفهانی در کتاب مفردات به ارجاع به تبلیغ چنین می نویسد: بلغ که ریشه «البلوغ» و «البلاغ» است به معنای انتهای هدف و به مقصد رسیدن و با انجام کاری معین در زمان یا مکانی مشخص است. یکی از معانی آن به پایان و انتها رسیدن است، مانند «لعلنی ابلغ الاسباب» (۱) «معنای دیگر آن ایمان و عهد استوار و محکم است. امام زکرم ایمان عینا بالله» (۲) «البلاغ» از معنای دیگر آن است مانند: «هذا بلاغ لسانی» (۳) و «ایضا» در معنای تکفایف» هم آمده است مثل آیه کریمه «یا ایها الذین بلغ ما أنزلنا علیک فان لم تفعلوا فما بلغنا رسالتنا» (۴)

اگر چه تبلیغ امروزه دارای معنی و کاربرد وسیع کلی است، ولی در فرهنگ اسلام کلمه «تبلیغ» در معنای خاص به کار رفته که در مقابل «دعوت» معنی و مفهوم عام دارد، همان کریم نبرد آیات مختلف به دعوت اشاره دارد در معنای خاص تبلیغ مورد نظر بوده و بکار رفته «الذین یبلغون رسالات الله» (۵) کسانی که پیام های الهی را تبلیغ می کنند.

استاد مطهری در این زمینه معتقدند که همانگونه که در سخن و گفتار انسانها بساطت و پیچیدگی وجود دارد و ممکن است دارای معنی ساده و قابل فهم باشد، امکان دارد که چند معنی و چند لایه داشته و دارای صورت و باطن باشد.

نهضت و حرکت های انسانی هم از این نظریا هم تفاوت و اختلاف دارند و بهترین نمونه را برای آن آیات قرآنی می داند که دارای آیات مستحکم و مشابه می باشد که آیات محکمه، آیاتی هستند دارای نظر صریح و روشن و از نظر لفظ و معنی تک معنی می باشند و بیش از یک معنی و مفهوم از آن استفاده نمی شود، اما آیات مشابه، در آن واحد می توان چند معنی و مفهوم از آنها استنباط نمود و البته برای اینکه در معنای مشابه به اشتباه نیفتیم باید آیات محکمه را منجاس و مجاز قرار بدهیم و به همین جهت آنها را «ام الکتاب» می نامیم و به همین نحو استاد، نهضت ها را نیز بدین شکل تقسیم بندی می نماید و نظر ایشان بر این است که نهضت امام حسین به اصطلاح مشابه بوده و در آن واحد مقصودهای مختلف را در برداشته است که در ابعاد و جنبه های مختلف هدف هایی را دنبال می نموده است. یکی از ابعاد و وجه نهضت حسینی «تبلیغ» بوده است و عنصر دیگر امر به معروف و نهی از منکر است که در کلمات خود امام حسین بن علی (علیه السلام) تصریح قاطع شده است. وجه دیگری را که استاد بر آن تکیه دارد، «اتمام حجت» است تا در مقابل تاریخ محکوم به این نگردد که فرصت اصلاح را از دست داد در حالیکه می توانست چنین کاری را انجام دهد و افزایشی از او دفاع می کردند و امام به این دلیل پای سر راه گذاشت.

علیرغم تمام اینها، مهمترین موضوع، یک تبلیغ و پیام رسانی و معرفی بدور از هر گونه تحریف است. و به همین دلیل است که امام در هنگام حرکت می فرماید و «علی الاسلام السلام» از قد طبعت الامة براع مثل یزید» یعنی امام با این بیان خود می خواهد نوع حکومت و حاکمیت اسلامی را مورد توجه امت اسلامی قرار دهد که سر به اطاعت هر حاکمی به نام دین سیرد و در مقابل هر کسی که در جامعه اسلامی به نام دین در صدر حکومت قرار می گیرد نباید تسلیم بود و باید در مقابل کسانی که پیرو و رویه های آنها برخلاف و برضد نص اسلام است ایستاد که این مسئولیت مسلمانان را در قبال حاکمان آنها به خوبی نمایان می نماید و اینکه امام خمینی لره می فرماید، «محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است» به جد صحیح و قابل قبول است چرا که قهرمان و مسلمان ایران از پیشوا و مقتدای خود سرمشق گرفته و در

طول زمان مبارزه همواره در مسیر ولایت گام برداشته و لحظه ای از پیروی آن تحلی نکرده اند. حال آنکه دانستیم یکی از اهداف امام تبلیغ اسلام ناب و جدامازی آن از اسلام بدلی بوده است که تنها پوسته ای از اسلام را دارد، لذا باید پیام اسلام را به افراد جامعه آن روز و تمام عصرها برساند، استاد مطهری در این خصوص می فرماید: «همی تبلیغ رساندن پیام از کسی به کسی دیگر است، کلمه پیامبر و ویرفاعبره که در زبان فارسی آمده است، ترجمه کلمه رسول است که به معنی مبلغ رسالت» می باشد. «ولی اخیراً کلمه رسالت را در لفظ فارسی به کار می برند و مثلا می گویند: فلانی رسالتی در جامعه خودش دارد» یعنی امروز در مورد کسی که احساس می کند برای جامعه خودش و در جامعه خودش وظیفه ای دارد که باید انجام بدهد می گویند او رسالتی دارد، این تعبیر و آن تعبیری که در قرآن برای کلمه «رسالت» آمده است، اگر یکی نباشد خیلی به هم نزدیکند.

قرآن می فرماید: «الذین تبلیغون رسالات الله و یخشرونه و لا یخشرون احداً الا الله» آنان که پیام های الهی را به مردم می رسانند و جز از خدا از احدی بیم ندارند، این شرط بزرگی برای پیام رسان است.

لذا می توان گفت که تبلیغ عبارت است از روش یا روش های به هم پیوسته که در قالب یک مجموعه برای بسیج و جهت دادن به نیروهای فردی و اجتماعی از طریق نفوذ در شخصیت، افکار و عقاید و احساسات مردم به منظور وصول به هدف با اهداف مشخص معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و... که ممکن است به صورت مشروع یا نامشروع صورت پذیرد. در این زمینه استاد شهید نهضت ها شور را نهضتی تبلیغ معرفی می نمایند و می فرمایند: «نهضت تبلیغ، نهضتی است که پیامی را که می خواهد به دلها و فکر و احساسات ابلاغ کند و برساند، به خوبی برساند از این جنبه وقتی نگاه می کنیم، می بینیم که تبلیغ تیز و رساتر و رساننده تر از نهضت حسینی نهضتی در جهان پیدا نمی نموده نهضتی که شما از یک طرف می بینید از نظر ابعاد مکانی، جهانی شده و از طرف دیگر از نظر زمانی، بعد از حدود چهارده قرن، قدرت رسانندگی و قدرت نفوذش نه تنها کاسته نشده است بلکه افزایش یافته است نهضتی است فوق العاده قوی و همچنین «در نهج البلاغه جمله معروفی است در

بازره فلسفه بعثت انبیاء می فرساید. «بعثت فیهم رسوله و رائر الیهم انبیاء لیستأذوهم میثاق فطرنه و یذکروهم منسی نعمته و محتسبوا علیهم بالتبلیغ»

یعنی خدا پیامبران را یکی پس از دیگری فرستاد برای چه؟ اولاً برای اینکه خدا پیمانی، با تکوین، در سرشت آدمیان نهاده است، می خواهد بگوید چنین امری نیست که بر بشر تحمیل شده باشد بلکه پاسخ به ندای فطرت بشر است، پیمانی که خدا بسته است، روی کاغذ نیست، بالفاظ نیست، با صورت نیست، با بیعت نیست، بلکه با قام تقدیر است، در عمق روح و سرشت انسانهاست می گویند پیغمبران آمده اند به مردم بگویند «ایها الناس انما بیعتنا که در سرشت خود با خدای خود بسته ایده ما و فای به آن پیمان را از شما می خواهیم نه چیز دیگر، و یکدگر و هم منسی نعمته» پیامبران یادآور آنند و بخواهیم علیهم بالتبلیغ» و برای اینکه پیام خدا را به مردم ابلاغ کنند و از این راه با مردم اتمام حجت نمایند «و یسیروا الیهم دفائن العقول» می فرماید در عقولای مردم، در فکر و روح مردم، در اعماق باطن مردم گنج های مدفون است، گنج هایی عقولانی در عقل مردم وجود دارد ولی روی این گنج ها را خاک و غبار پوشانیده است، پیغمبران آمده اند تا این غبارها و لایه های خاک را بزدایند و این گنجی را که مردم در درون خود دارند به آنها بنمایانند هر فردی در خانه روح و روان خود گنجی دارد و از آن بی خبر است، پیغمبران آمده اند آن گنج را بنمایانند تا هر کس با شور و شوق و ابتهاج در صدد بیرون آوردن گنج خودش باشد.

«پیغمبران خدا همه مبلغند به این بیان که عرض کردم، ولی همه مشرع نیستند این است که پیغمبران خدا دو دسته اند پیغمبرانی که هم مشرعند و هم مبلغ، و هم پیغمبرانی که فقط مبلغند.

پیغمبران مشرع، یعنی پیغمبران قانونگذار که عده شان خیلی کم است، جمعا پنج تا می شوند نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و خاتم الانبیاء (ص) ولی همه پیغمبران مبلغ رسالات الهی هستند همچنان که امر به معروف و نهی از منکر هستند.

در نهج البلاغه تبلیغ به مفهوم رساندن پیام الهی، تشویق مردم به اطاعت از فرمانها، رعایت حدود خداوند عز و جل و حرکت دادن مردم در جهت تعالی بکار رفته است در این مورد آیات و روایات فراوانی

# جایگاه عنصر تبلیغ در «نهضت حسینی»

هست که در این میان آمده است ذیلاً به عنوان نمونه اشاره می کنیم که: «ادع الی سبیل ربک بال حکمته و الموعظه الحسنه و جادلهم بالی هی احسن» «حق را با حکم و برهان و موعظه نیکو، به راه خدا دعوت کن».

در المیزان در این خصوص آمده است که: «شکی نیست در این که در آیه از سه قید، یعنی حکمت و موعظه و مجادله استفاده می شود، همه مربوط به طرز سخن گفتن است، و سون گرامی مأمور شده که به یکی از سه طریق دعوت کند، هر یک برای دعوت طریق مخصوص است، هر چند جدال به معنای انحصار دعوت، به شمار می رود. و اما معنی این سه طریق، حکمت بطوری که در مفردات آمده است معنای اصابه حق و رسیدن به آن به وسیله علم و عقل است، و اما موعظه به این معنی تفسیر شده است که کارهای نیک را بطوری یاد آور می شود که قلب شنونده از شنیدن آن بیان هرقهت، پیدا کند، و در نتیجه تسلیم شود، و اما جدال بطوری است که سخن گفتن از طریق نزاع و غلبه جویی است. XXX» و اما استاد در خصوص پیام و شرایط موفقیت آن غنا و حقانیت محتوای پیام را مورد نظر قرار می دهد و می فرماید: شرایط موفقیت یک پیام چهار چیز است که اگر این چهار شرط در یک جا جمع بشود موفقیت آن پیام قطعی است و اگر این چهار شرط جمع نشوند شکل های مختلفی پیدا می شود.

اولین شرط موفقیت پیام، عقلی بودن، قدرت و نیرومندی محتوای آن است یعنی اینکه خود آن پیام برای بشر چه آورده است، چگونه بر آورنده نیازهای بشر باشد، بشر صدها نیاز دارد، نیازهای فکری، احساسی، عملی، اجتماعی و مادی، یک پیام نه تنها باید بر ضد نیازهای بشر باشد، بلکه باید فوایق و منطبق بر آنها باشد، یک پیام در درجه اول باید منطقی باشد، یعنی با عقل و فکر بشر سازگار باشد. و به گونه ای باشد که جاذبه عقل انسان آن را به سوی خودش بکشد، یک پیام اگر ضد منطق و عقل باشد ولو اینکه مثلاً احساسی باشد، برای مدت کمی ممکن است دوام پیدا کند و برای همیشه قابل دوام نیست این است که قرآن کریم دائماً از تعقل و تفکر می زند، قرآن هرگز عقل و منطق را ترک نکرده است، بلکه از عقل و منطق به عنوان یک پایه برای خود استفاده کرده و دعوت به تعقل نموده است.

همچنین برای اینکه یک پیام

محتوای غنی و نیرومند داشته باشد، باید با احساسات بشرانطباق داشته باشد. انسان کانونی دارد، غیر از کانون عقلی و فکری بنام کانون احساسات که آن را نامی توان نادیده گرفت. توافق و هماهنگی با احساسات تا حدی اشباع احساسات عالی و رقیق بشر و نیز هماهنگی با نیازهای زندگی و نیازهای عملی و عینی بشر، از دیگر شرایط غنی بودن محتوای یک پیام است. اگر پیامی با نیازهای طبیعی بشر ضدیت داشته باشد نمی تواند موفق باشد.

عامل دیگری که در موفقیت پیام تاثیر دارد، شخصیت پیام رسان می باشد (شخصیتی که پیام را انتقال می دهد) خصوصیات و شخصیت و لیاقت پیام رسان و شرایطی که باید در پیام رسان وجود داشته باشد. عامل دیگر وسایل و ابزارهایی است که برای رساندن پیام به کار برده می شوند.

یک پیام رسان بدون شک احتیاج به یک سلسله وسایل و ابزارهایی دارد که به وسیله آنها پیامی را که مأمور ابلاغ آن است به مردم می رساند و در نهایت متد و سبک، اسلوب و روش پیام رسان در ارائه پیام است.

توجه به این امر که حضرت امام حسین (ع) در محبت استنصار برای شهادت به شکل جامع عمل نموده و نسبت به احیاء شهادت موفق بوده است و رنگ و بوی جدی به مبارزات آزادیخواهانه داده به گونه ای که هر روز وضوح، شفافیت و حقانیت آن بیشتر می شود و در فرآیند زمانی تحکیم می یابد و قطع نظر از این مسایل آنچه الهام بخش روزگار ما گردیده است، شیوه و متدی است که امام و یاران صدیق ایشان برای شاوردایی از چهره اسلام ناب انجام دادند و نحوه حرکت امام، موضعگیریهای خطابه های که امام در طول مسیر بیان فرموده اند به شکی است که حقانیت اهل بیت را به اثبات می رساند.

نظر استاد در این زمینه این است که: «اولین مطلب این است که استفاده از تبلیغ در نهضت حسینی آن وقت درست است که عامل نهضت را تنها امتناع از بیعت ندانیم، استفاده از تبلیغ با دو عامل دیگر یعنی اجابت مردم کوفه برای در دست گرفتن زمام امور، و دیگر امر به معروف و نهی از منکر جور می آید، و البته از زمان سقوط کوفه به بعد هر اندازه از عنصر تبلیغ استفاده شده باشد اختصاص دارد به امر به

معروف و نهی از منکر. خروج امام از مدینه به مکه و اقامت در مکه در ماههای شعبان تا ذی الحجه که ایام عمره و سپس حج است، به نظر نمی رسد که به خاطر این بوده که دشمن احترام حرم امن الهی را حفظی کرد، بلکه به سه علت دیگر بوده است: یکی اینکه نفس مهاجرت ارزش تبلیغاتی داشت و نگذاشته بود و ندای امام را بهتر می رساند و این خود اولین رُست مخالفت و امتناع بود. دوم اینکه در مکه نماس بیشتری با افراد نواحی مختلف مسکن بود. سوم اینکه مکه را انتخاب کردن علامت امنیت ندانستن بود گر آنکه در آنجا هم (امام) امنیت نداشت.

خروج امام از مکه در روز نهم یعنی روز هشتم ذی الحجه که روز حرکت به می و عرفات است ارزش تبلیغی نگذاشته تری از خود اقامت در مکه داشت. و از نظر رساندن پیام اسلام باین پشت کردن به کعبه تسخیر شده امویان و حجاجی که گرداننده اش دستگاه یزیدی بود - حجاجی که ظاهرش اسلامی و روحش جاهلی بود نشان داد که اسلام این صورت خالی نیست که خاطرها آسوده باشد، معنی و حقیقت است که به خطر افتاده است.

سومین رُست تبلیغاتی و بلکه تاکتیک تبلیغاتی آن حضرت این بود که اهل بیت و کودکان خود را نیز همراه خود آورد، و به این وسیله در واقع خود دشمن را ناآگاهانه استخدام کرد که حمل یک عده مبلغ برای امام حسین و برای اسلام حسینی علیه یزید و اسلام یزیدی باشد و این یکی از مهمترین عناصر تبلیغی نهضت امام است.

چهارمین تاکتیک تبلیغی اباعبدالله نشان دادن مروت و انسانیت و گسترش اخلاقیات در همه خلل حادثه بود. از بین راه تا دهم محرم - از قبیل آب دادن به دشمن و ابتداء به جنگ نکردن. پنجمین تاکتیک، ایجاد صحنه هایی برای رساندن بهتر پیام خود را و رنگ آمیزی ها از قبیل باشید خون شیرخوار به آسمان که عبدالله احسبه سروری خود را با خون خود مخضب کردن که اینچنین می خواهم خدا را ملاقات کنم. در مورد صحنه ها قصه دست نه کردن کردن با قاسم، حبیب بن مظاهر. آنچه امروز به ما الهام می بخشد، قلمهای کسانی که اسلام را روی کاغذها توصیف کرده اند نیست. بلکه قلمهای کسانی است که با

خون خود سطوط برجسته اسلام را بر روی بدنهای خودشان، بر پیشانی شان، بر فرق شگافه شان (و قتل فی محرابه لشده عدنه) بر روی دانه دانه نوهایی مقدس محاسنشان، بر روی سینه و قلبشان، بر پیشانی شکسته شان، بر دندان شکسته، بر رگهای گردنشان نوشته اند.

در جای جای آثار استاد شهید می توان این نکته را یافت که وجود چهره های مختلف بزرگوار که در صحنه کربلا حضور جدی داشته اند و اینکه پیران در کنار جوانان، زنان در کنار مردان و کودکان در جوار مادران و پسران، حضور برده برده آزاد شده شهادت را می پذیرند، پذیرش که با آن با تمام نسل های تاریخ این پیام را دارند که برای حفظ اسلام هم چیز و همه کس را باید کنار کرد و از همه گونه امکانات استفاده نمود و اینکه باید بهترین راهکار را یافته و از گزاردهایی استفاده کرد که جهت دمی آن در پلن کلی نظام آفرینش موثر باشد.

### عباس چگینی

- می نوشت:
- (۱) سوره مؤمن آیه ۳۶
  - (۲) سوره قلم آیه ۳۹
  - (۳) سوره ابراهیم آیه ۵۲
  - (۴) سوره مائده آیه ۶۷
  - (۵) سوره احزاب آیه ۳۹
  - (۶) کتاب حماسه حسینی اثر استاد شهید مطهری